



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲/۰۹/۲۶

د ص سعیدی

دین و حاکمیت سیاسی

اسلام و سیکولاریزم، دین و سیکولاریزم، حدود و صلاحیت دین و حاکمیت سیاسی در یک جامعه، سوالات ایت که مطرح بوده و هست و ما اکثر فهمیده و نا فهمیده، گاهی با تجارب بد، سمپتی های و امپتی و انتی پتی های خویش قضاوت و سخن خواست و دل خود را بر دیگران تحمیل می‌خواهیم و اکثر سی دی های کهنه را مانند سی دی خط شده می‌خوانیم و تکرار می‌کنیم و نا خوش آیند تکرار می‌کنیم! با هر تکرار تصور می‌کنیم که همه قبول کردند و گپ ما به کرسی نشست!

اما واقعیت در موارد چیزی دیگری هست!

با تخصص و مسلکی در علوم سیاسی مدرن در علوم سیاسی و با تخصص در علوم دینی و فهم مسلکی از دین اسلام به یقین به این نتیجه و این معرفت رسیده ام که:

دین اسلام دین سیکولار و دین ملا شاهی نیست!

اسلام به مراجعه به اهل ذکر در مسایل و قضایا امر می‌کند!

اهل ذکر در مسایل دینی عالم دین است و در سایر مسایل عصری و امروز علمای امروز اند!

خوشا به آن جامعه که عالم دین اش به علوم عصری نیز مجهز و آراسته باشد!

مشکل ما قبل از همه از نیمچه فهمی و عدم شناخت و در موارد و تاکید بر سیکولاریزم نادانی از بخش از مسایل و از دین اسلام و عدم فهم تفاوت دینی مسیحی و دین اسلام و از دیموکراسی و انستیتوت های آن است!

اگر نظام و حاکمیت دیموکراتیک و دیموکراسی حاکمیت مردم، بالای مردم، توسط مردم و در خدمت ارزشهای مردم است، که است، افراطیون دینی (دریک کلمه اساس ساز - چپی های افراطی) و بی خبران از دین اسلام (دریک کلمه آسان ساز - راستی های دینی افراطی)، مسئله سیکولاریزم را مطرح و عده شان آنرا موجه می‌سازند! در حالیکه طرح این مساله و انتخاب حدود و ثغور مداخلت دینی در سیاست و یا برعکس آن، به انتخاب ملت تعلق دارد و از بالا نباید، در عمل غیر دیموکراتیک تحمیل شود! مسلم چنین است که به انتخاب ملت، دین اسلام که برای تمام موارد زندگی قاعده، قانون و مقررات دارد و اصل چارم منبع احکام اسلامی (قیاس و انالوجی) این دین را به عصر و زمان همگام می‌سازد، این دین را از دین مسیحیت و سایر ادیان متمایز می‌سازد!

لذا مشکل در عدم شناخت از دین مسیحیت است که صرف به نام دین، در عرصه های مختلف برای مسایل زندگی قاعده و قانون ندارد و اسلام دارد.

لذا مقارنه دین اسلام به تاریخ دین مسیحیت در جوامع و مراحل مختلف زندگی بشری، مقارنه و مقایسه کردن، قیاس مع الفارق و مقارنه کچالو با سیب است و در نتیجه استدلال به توجیه فکری سیکولار است، که یک پروی ای خطا است! به این ترتیب، عدم فهم از دیموکراسی یکی از عوامل و دلایل به تاکید سیکولاریزم و جدایی دین از سیاست است! اگر تداوم به این افکار با لجابت دفاع می‌کند، سوال قرائت مجدد کلیمه طبییه و شهادت و تجدید نکاح مطرح است و اگر

ملت دین و ارزش و معیار زندگی خود را ارزشهای اسلامی جامعه میداند، دیموکراسی و مردم سالاری در انتخاب ارزش و اصول اسلامی است که سیکولار های امروز و افراطیون دینی آنرا درک نمی کنند و هر دو سر از یک گریبان می‌کشند!

تفصیل دیگر هم دارم!

تشکر

د ص سعیدی